شیوه های تاریخ نگاری معاصر ایران

یعقوب توکلی

پیدایش، رشد، اعتلا و زوال جنبش های سیاسی و اجتماعی معاصر ایران در کنار تحولات و رخدادهای متعدد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، جابجایی قدرت ها و نخبگان حکومتی و تغییرات گسترده در عرصه اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر ایران، به دلیل اهمیت و تأثیرات شگرف و متنوع آن، سبب گشته است تا از سوی پژوهشگران، مورخان و تحلیل گران حوادث اجتماعی و نخبگان سیاسی مورد تجزیه و تحلیل و نقادی و تقریر و تبیین قرار گیرد. تنوع و کثرت نگاه ها و اختلافات در نگاشته های تاریخی این دوره باعث پیچیدگی و سختی فهم و درک درست محققان و اندیشه گران این عرصه در تشخیص سره از ناسره و کشف درست حقایق تاریخی گردیده است. از این رو بازشناسی درست متون و نگاشته های تاریخی در صورت ها و شکل های مختلف و میزان اعتبار و استناد جویی به آنها گام نخست واساسی برای کاوشگران و علاقمندان به بازشناسی تحولات تاریخ سیاسی معاصر ایران است. از این رو معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران به منظور بازشناسی شیوه ها، متون و منابع و ایجاد فضایی برای طرح دیدگاه ها و تضارب آرا سلسله نشست هایی را به صورت کار گروهی در موضوع «شیوه ها، اشکال و سبک های تاریخ نگاری معاصر ایران» با حضور جمعی از کارشناسان و اساتید حوزه و دانشگاه برگزار نموده است. آنچه این مقاله می آید حاصل سلسله گفتگوهای علمی پژوهشگران و اساتید تاریخ معاصر ایران در یک نشست علمی می باشد که قسمت نخست آن توسط محقق ژرف اندیش و منتقد چیره دست جناب آقای یعقوب توکلی تحت عنوان صورت های تاریخ نگاری معاصر ایران ایراد شده است. بدیع بودن و جامعیت این دیدگاه، نگاه و رهیافت جدیدی در صفحه تاریخ نگاری معاصر می گشاید که برای محققان و پژوهشگران سودمند و راهگشا خواهد بود.

کسانی که در عرصه تاریخ و تاریخ نگاری به تدریس و تحقیق اشتغال دارند با مجموعه ای از مباحث و مسایلی که از نگاه ها و زوایای مختلف طرح شده مواجه می باشند. این تنوع مباحث، باعث پیچیدگی و گاهی ابهام در فهم مسایل و رخدادهای تاریخی شده است. بخصوص در موضوع انقلاب اسلامی این مسأله کاملاً روشن و قابل درک است؛ از این رو آگاهی و شناسایی منابع و متون مربوط به تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی و آثار فراوانی که در این سالها ـ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ـ به رشته تحریر در آمده ضرورت می یابد. لذا فردی که می خواهد در این عرصه و وادی قدم بگذارد، اولین مسأله شناخت دیدگاه ها و مشرب ها و صورت بندی های مختلف تاریخی است. در یک طبقه بندی یازده گرایش و دیدگاه تاریخ نگاری احصا شده است که کاملاً از هم قابل تفکیک و متمایزند. بحث اصلی و محوری نوشتار حاضر، صورت های مختلف تاریخ نگاری در دوره های اخیر است که سعی شده با برشمردن ویژگی ها و مختصات هریک از شیوه های تاریخ نگاری، نمونه های مشخصی هم از آن ارائه شود.

ابتدا لازم است این نکته یادآوری شود که عدم آگاهی و شناخت این مشرب ها و شیوه های تاریخ نگاری سبب گردیده بسیاری از محققان و نویسندگان دلسوز و متعهد، از روی غفلت و بدون توجه به این تفاوت ها و رهیافت های مختلف در تاریخ نگاری به منابع و مآخذی استناد جویند که بر خلاف مقصد و نیاتشان به نتایج مغایر دست یابند و یا عوامل و زمینه های واقعی بسیاری از حوادث تاریخی نادیده گرفته شود و حتی به تناقض گویی های تاریخی نیز مبتلا گردند؛ همانند کتاب «انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن» که حاصل تلاش جمعی از محققان خوش نیت و متعهد می باشدو متصدی نشر و طراحی آن مرکز تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها بوده و بیش از 30 دوره به چاپ رسیده است. در کتاب مزبور معجونی از مسایل متناقض و تحلیل های گوناگون از سبک های مختلف در کنار هم قرار گرفته است. در ویراست سوم آن کتاب، به دلیل عدم اشراف نویسندگان نسبت به دیدگاه های متفاوت، مسایلی طرح شده است که گاهی متناقض و برخی موارد کاملاً خلاف واقعیت های تاریخی است به عنوان نمونه در یک قسمت از کتاب آمده؛ روحانیت برای دفاع از قاجاریه ولایت فقیه را جعل کرده است و در جای دیگر عکس این ادعا را بیان می کند. می نویسد: روحانیت برای مقابله با قاجار نظریه ولایت فقیه را جعل نمود، با امعان نظر در می یابیم دیدگاه اول مربوط به خانم لمبتون مشاور فرهنگی رییس انگلیسی شرکت نفت می باشد و دیگری مربوط به یک نویسنده دیگر انگلیسی است.

همچنین کتاب «نواب صفوی و فدائیان اسلام» را که مؤسسه باقر العلوم ـ طرح دیدار با ابرار ـ منتشر ساخته است، برگرفته از روایتی است که سعی شده فدائیان اسلام را در ترور رزم آرا آلوده نشان دهند. این کتاب دقیقا دیدگاه های ملی گرایان را تبلیغ کرده است. مطمئنا این خطا ناشی از فقدان اطلاعات و آگاهی نویسنده و بسندگی به منابع دم دستی بوده است.

این مسأله امروز به یک معضل در تاریخ نگاری تبدیل و دامن گیر خیلی ها شده است. بنابراین برای رهایی از امواج متنوع و درهم تنیده و پیچیده تاریخ نگاری، باید به بازشناسی درست صورت ها و شیوه های تاریخ نگاری به طور جدی بپردازیم. از این رو، لازم است همه پژوهشگران و اصحاب قلم در این عرصه قبل از ورود به مسایل تاریخی ابتدا به این مبحث توجه و تأمل کافی نمایند.

دیگر آن که در خصوص شیوه ها و صورت های مختلف تاریخ نگاری معاصر ایران آن چه بیان می شود ابتکار و ایده اینجانب می باشد. از این رو از هر گونه نقد و طرح دیدگاه های مکمل و مخالف استقبال می گردد.

در خصوص صورت ها و شیوه های تاریخ نگاری، دو حوزه اساسی و کلی وجود دارد که در همه حوزه های تاریخی رایج است و آن شیوه تاریخ نگاری نقلی و تحلیلی است. مثلاً در حوزه تاریخ اسلام، تاریخ آقای محمد ابراهیم آیتی و سیره ابن هشام تاریخ نقلی می باشد. اما «تاریخ تشیع» آقای رسول جعفریان به صورت تاریخ تحلیلی می باشد، چنانچه کتاب «فروغ ابدیت» آیة اللّه جعفر سبحانی هم یک تاریخ تحلیلی است.

در داخل این دو طیف، می توان گونه های مختلف تاریخ نگاری را دید. تاریخ نگاری نقلی به صورت اشکال و شیوه های زیر بروز و ظهور نموده است:

1. گزارش نویسی تاریخی:

در تاریخ معاصر بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با موارد متعددی از این شیوه تاریخ نگاری مواجه ایم، همانند کتاب «مأموریت برای وطنم» از محمدرضا پهلوی ـ اگر چه در انتساب کتاب به محمد رضا پهلوی تردید جدی وجود دارد ـ که یک نوع گزارش تاریخی است یا کتاب «عظمت بازیافته» که در دوره پهلوی دوم از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسید، یک گزارش تاریخی از وقایع عصر پهلوی می باشد.

2. روز شمار تاریخی:

این شیوه به صورت های متنوع و مختلف نگاشته شده است از جمله:

1ـ2ـ روز شمار تلخیصی: همانند «روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب» نوشته باقر عاقلی که به طور خلاصه و دریک گزارش یک یا دو جمله ای به صورت روزانه به گزارش وقایع و ثبت حوادث اقدام نموده است. این نوع روز شمار تاریخی، اهمیت بسیار زیادی برای محققان تاریخی دارد که متأسفانه در فضای تاریخ نگاری ایران توجه کمتری به آن شده است.

2ـ2ـ روز شمار تفصیلی: مدل دیگری از تاریخ نگاری نقلی در تاریخ معاصر ایران است. در این شیوه تاریخ نگاری به جای اینکه یک واقعه را در حد یک عبارت کوتاه و یک جمله گزارش و روایت کنند، به نگارش و شرح کلیه حوادث مرتبط با آن حادثه یا روز واقعه به صورت مبسوط می پردازند. مثلاً اگر بخواهیم راجع به حادثه 19 دی سال 1356 بدانیم که چه متونی در این خصوص نوشته شده و چه گزارش هایی درباره این واقعه ثبت گردیده است، به این نوع منابع همانند «روزشمار انقلاب اسلامی» دفتر ادبیات حوزه هنری که کتاب بسیار مناسبی است باید مراجعه کنیم. این کتاب یک صورت از تاریخ نگاری نقلی تفصیلی است. همچنین کتاب «روزشمار جنگ» اثر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از این شیوه و نوع می باشد. روزشمار تفصیلی دیگری که در این نوع نگاشته شده روز شمار «اسرار لانه جاسوسی» است که اسناد وقایع دوران تصرف لانه جاسوسی آمریکا و ایام در اختیار داشتن جاسوسان آمریکایی توسط دانشجویان پیرو خط امام بر اساس روز شمار تنظیم گردیده است.

3. خاطره نگاری:

در دوره های اخیر به شدت رشد یافته و مرسوم شده است. از اشخاص و گروه ها و طیف های مختلف، خاطرات متعددی منتشر شده است. خاطره نگاری تاریخی به دو صورت انجام گرفته است: شفاهی و مکتوب.

1ـ3ـ خاطره نگاری شفاهی: سبک و شیوه جدیدی از تاریخ نگاری است و بر خلاف خاطره نگاری مکتوب که کم و بیش در ایران سابقه داشته است، این صورت از تاریخ نگاری کاری نو و جدید است. باید توجه داشت که خاطره نگار صرفا به بیان و ثبت خاطرات شیرین از حوادث و وقایع نمی پردازد؛ حوادث تلخ و شیرین، شکست ها و کامیابی ها در کنار هم قرار دارند.

خاطرات شفاهی ممکن است به یکی از اشکال و صورت های زیر باشد:

1ـ1ـ3ـ خاطرات شفاهی خام: در این شیوه با یک نفر مصاحبه می کنند و عین مطالب مصاحبه شونده را بدون ویرایش و دخل و تصرف و کم و کاست منتشر می کنند. مدل سرآمد این شکل و شیوه، تاریخ نگاری شفاهی دانشگاه هاروارد است که مجموعه 360 جلدی خاطرات شفاهی با مدیریت دکتر حبیب اللّه لاجوردی انجام شده که تاکنون حدود 10 جلد از آن چاپ و منتشر شده است. همانند: خاطرات امیر تیمور، خاطرات علی امینی، خاطرات سلطان محمد قاجار، خاطرات شاپور بختیار و خاطرات شریف امامی. این خاطرات را دانشگاه هاروارد به رغم همه هیاهو و سرو صدایی که به راه انداخته و پول و امکانات زیادی که فراهم کرده به قصد ایجاد یک مأخذ و منبع معتبر تاریخی از سوی عناصری از هواخواهان رژیم سلطنتی و غرب گرایان و هواداران آمریکا به پشتوانه و هدایت آمریکا انجام داده که کاری بسیار ضعیف و ابتدایی است، متأسفانه در داخل ایران هم عده ای به دلیل ضعف تحلیل و بینش، زود تحت تأثیر این فضاها قرار می گیرند. اگر این مجموعه ملاحظه گردد، در می یابیم که مصاحبه ها بدون هیچ ویرایش و پاورقی و توضیح چاپ شده است. البته بخشی از این خاطرات توسط برخی افراد از جمله نگارنده نقد شده است همانند: خاطرات مجید مجیدی، امینی و شریف امامی که نشست های نقد عمومی نیز درباره آنها برگزار شد.

2ـ1ـ3ـ شفاهی ویرایشی: صورت دیگری از تاریخ نگاری نقلی است که مراکز متعددی در داخل ایران به این امر پرداخته و یا پیگیر آن هستند، که بعد از ضبط و جمع آوری خاطرات به صورت مصاحبه و گفتگو، آن را ویرایش کرده و منتشر می سازند. معمولاً کار بر این رویه قراردارد که مصاحبه شونده و خاطره گو خاطراتش را بیان کرده و یک گروهی این کار را ویراستاری می کنند، البته بدون آنکه در آن دخل و تصرفی انجام دهند و بعد از ویرایش، خاطرات با امضاء و تأیید خاطره گو منتشر می شود همانند: خاطرات آقایان: سیدعلی اکبر محتشمی، علی اکبر ناطق نوری و سید محمدکاظم بجنوردی که دفتر انقلاب اسلامی به چاپ رسانده است. همچنین خاطرات مرتضی الویری، براتی، نورالدین کیانوری، ایرج اسکندری، بابک امیر خسروی، فریدون آذرنوش و خاطرات فردوست که آقای عبدالله شهبازی آنها را ویرایش کرده اند.

3ـ1ـ3ـ خاطرات شفاهی تدوینی: در این شیوه یک نفر حادثه یا واقعه تاریخی را توضیح می دهد و ضمن توضیح و بیان آن، این اجازه را به فرد یا گروهی می دهد که خاطراتش را آن گونه که خود می خواهد یا می پسندد تدوین کند و برخی نقاط ضعف یا امنیتی و... را از آن حذف نماید و یا چیزی بر آن بیافزاید، تا هم کتاب حالت روایی پیدا کند و هم جاذبه و شیرینی تاریخی را به همراه داشته باشد. کتابهای چاپ شده در خصوص خاطرات احمد احمد و خانم مرضیه دباغ از این شیوه تاریخ نگاری پیروی کرده اند.

4ـ1ـ3ـ خاطرات شفاهی تلفیقی: در این شیوه تاریخ نگاری، خاطرات یک گروه در مورد موضوع و واقعه ای خاص یا مختلف که به صورت مصاحبه و گفتگو انجام گرفته، کنار هم گذارده می شود و به طور طبیعی خط و سیر خاص خودش را هم در این چینش ها و انتخاب موزاییک خاطرات تعقیب و پی گیری می کند، بهترین مصداق این شیوه و صورت تاریخ نگاری «انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی» است که به دو شکل در ایران چاپ و منتشر شد. یکی از آنها مربوط به آقای عبدالرضا هوشنگ مهدوی است که تحت عنوان «انقلاب اسلامی به روایت رادیو بی بی سی» چاپ و منتشر گردیده و دیگری توسط آقای عماد الدین باقی انجام گرفت که اخیرا در برخی جلسات نیز آن مجموعه را با کاست، اهدا می کنند .این سبک خاطره نویسی به دلیل تنوع و جاذبه هایش بسیار مؤثر است، بخصوص در انقلاب اسلامی، که رادیو بی بی سی، سعی در برجسته کردن رهبران میانه رو و لیبرال در مقابل رهبری امام رحمهم الله داشته، بسیار با اهمیت است و نباید از آن غفلت کرد.

2ـ3ـ خاطره نگاری مکتوب: تفاوت خاطره نگاری مکتوب با شفاهی این است که در این نوع خاطره نگاری به شدت مواظبت می شود چیزهایی که نباید نوشته و گفته شود، آورده نشود و نویسنده خاطرات با یک نقشه طراحی شده پیش می رود ولی در تاریخ نگاری شفاهی این کار به آسانی امکان پذیر نیست؛ لذا در خاطره نگاری مکتوب فرد به اهداف و آرمان های سیاسی، تاریخی و اجتماعی خودش توجه دارد و تلاش می کند آن ها را مورد سؤال قرار ندهد. مشهورترین نوع این شیوه تاریخ نگاری کتاب «پاسخ به تاریخ» محمد رضا پهلوی است و همچنین، خاطرات علی امینی که در ایران به چاپ رسیده است و یا خاطرات جهانگیر تفضلی که توسط اینجانب تدوین و چاپ شده است و همین طور از خاطرات سیاسی آقای محمدی ری شهری نیز می توان نام برد.

یکی از انگیزه های این نوع تاریخ نگاری تلاش در نفی و برائت جویی از برخی مسایل و اتهامات و یا برجسته کردن نقش خود در برخی حوادث و رخدادهای تاریخی است.

در این شیوه تاریخ نگاری، خاطره نویسان در خیلی از موارد دچار فراموشی عمدی می شوند. مثلاً: نویسنده می داند که آقای الف، ب، ج در یک حادثه و واقعه با هم بودند و هر سه دارای نقش بودند و اکنون به دلایلی همانند: جناح بندی های سیاسی و تغییر مواضع یکی از این افراد و... که با او مسأله پیدا کرده است در نوشته اش نامی از او به میان نمی آورد و یا می نویسد: نفر سومی هم بوده که نامش را فراموش کرده ام. این نوع دست کاری ها و فراموشی های عمدی در خاطرات مکتوب بسیار به چشم می خورد که در خاطرات عناصر چپ و ملی گرا در ایران، بسیار وجود دارد، چون هر کس می خواهد نقش دیگری را کم رنگ کند و بکارگیری این شگردها از اعتبار این شیوه تاریخ نگاری می کاهد.

نمونه بارز بکارگیری شگردهای این چنینی، در خاطرات مکتوب رهبران سیاسی و امنیتی آمریکا است که هر چند یک بار، خاطراتشان را می نویسند و روانه بازار نشر می کنند که همواره با حذف و اضافات و فراموشی های عمدی زیادی مواجه است. خاطرات جیمی کارتر از این شیوه پیروی نموده است. در نوشتن به نقش و موقعیت خودشان خیلی توجه داشتند که زیر سؤال نروند و همچنین نسبت به مسایل جمعیتی و امنیتی آمریکا نظر ویژه داشتند.

گاهی در دست کاری ها ناشی گری می شود و به فضاحت می انجامد. همانند: مصاحبه جعلی که روزنامه توس از رییس جمهور اسبق فرانسه آقای والری ژیسکاردستن منتشر ساخت که در آن مصاحبه آمده بود: حضرت امام رحمهم الله از دولت فرانسه تقاضای پناهندگی کرده بود در صورتی که آقای ژیسکاردستن در کتاب «قدرت و زندگی» ماجرای ورود امام و اقامت ایشان در پاریس را کاملاً متفاوت بیان کرده است. او می گوید: رییس پلیس پاریس به من زنگ زد و گفت: ما خبر نداشتیم آیة اللّه خمینی به پاریس آمده، حالا چه کار کنیم؟ تکلیف چیست؟ به ایشان گفتم: فعلاً دست به اقدامی نزنید تا از شاه ایران بپرسم و بعد اخراجش می کنیم.

امام در ورود به فرانسه از یک توافق نامه بین ایران و فرانسه در لغو روادید جهت سفر اتباع دو کشور استفاده کرد و چون نام ایشان در گذرنامه روح اللّه موسوی ذکر شده بود، دولت فرانسه نتوانست به موقع تشخیص دهد که مسافر اعزامی امام خمینی رحمهم الله است.

آقای ژیسکاردستن در کتاب «قدرت و زندگی» می گوید: من با شاه تماس گرفتم و از او پرسیدم ما با آقای آیة اللّه خمینی چه کنیم؟ ایشان وارد پاریس شدند، شما هرچه بگویید ما همان را انجام می دهیم. شاه گفت: این موضوع را در شورای امنیت کشور به شور می گذاریم و بعد از 48 ساعت که شاه از ما وقت خواسته بود؛ وزیر خارجه ایران امیرخسرو افشار به وزیر خارجه ما گفت: وجود یک روحانی پیر در اروپای متمدن هیچ ضرری به ما نمی زند و امنیت ملی ما را تهدید نمی کند. اگر برای شما ضرری ندارد برای ما هم ندارد. ایشان آنجا باشند خیال ما هم آسوده تر است. چون فکر می کردند امام در فرانسه و غوغای دنیای متمدن فراموش می شود؛ ولی به خواست خدا چنین نشد و مسیر تاریخ به هدایت حضرت حق تعالی جریان دیگری را طی نمود که به پیروزی و عزت مسلمانان انجامید.

این بیان با مضامین آن مصاحبه جعلی کاملاً متناقض است، جعل کننده به این قضیه توجه نداشته است و چون دنبال یک هدف خاص سیاسی بود، آن فضاحت را به بار آورد. یا افتضاحاتی که جهانگیر تفضلی در خاطراتش از نحوه انتخاب خود به نمایندگی از شهرستان زابل در انتخابات مجلس هجدهم بیان می کند. او به صراحت می نویسد: من به دستور اعلیحضرت از شهرستانی نماینده شدم که یک بار در عمرم به آن شهر نرفته بودم و بعد از انتخاب شدنم هم نرفتم و در ایام انتخابات هم نرفتم و هیچ کسی از مردم و شخصیت های زابل را نمی شناختم. صورتی دیگر از خاطره نگاری مکتوب، یادداشت است که از اسناد با ارزش تاریخی است به دلیل آنکه نویسنده هنگام نوشتن یادداشت روزانه، طرح و نقشه طراحی شده در ذهنش ندارد و حوادث پیش آمده روزانه را می نویسد، به همین دلیل فوق العاده با ارزش می باشد. بخصوص اگر از سوی افرادی باشد که خود در وقایع حضور داشته اند اهمیت آن مضاعف می گردد. همانند: «یادداشت های امیر اسدالله علم» که از اسناد با ارزش تاریخی دوران پهلوی دوم است و در نوع خود بالاترین و بهترین سند علیه محمد رضا پهلوی و دربار است. البته خود اسداللّه علم به اهمیت این قضیه واقف بوده لذا توصیه می کند، زمانی این مطالب چاپ شود که ده سال از عمر حکومت پهلوی گذشته باشد و یا اصلاً امکان بازگشت پهلوی وجود نداشته باشد. شاید فکر نمی کرد روزی بهترین اسناد را برای مخالفانش باقی می گذارد. این یادداشت ها در 6 جلد به چاپ رسیده است و به دو صورت منتشر گردیده است: یک گونه آن با ترجمه آقای عبدالرضا هوشنگ مهدوی و گروهی که با ایشان کار می کنند منتشر شده که در انگلستان به چاپ رسید که همین نسخه را یکی از اساتید آکسفورد به زبان انگلیسی برگردان و چاپ کرده است و مجددا این کتاب توسط آقای هوشنگ مهدوی ترجمه شد که خیلی از واژگان تغییر یافته است. به همین دلیل خیلی معتبر نیست.

گونه ای دیگر توسط آقای عالیخانی منتشر شد که از اعتبار بیشتری برخوردار است، هرچند او هم خیلی از اسامی را حذف و نقطه چین کرده است.

از همین نوع و شیوه تاریخ نگاری می توان از یادداشت های آقای هاشمی رفسنجانی نام برد که اسناد با ارزشی هستند. یک نمونه از این اسناد با ارزش خاطره ای است که او از ملاقات ادواردو آنیلی پسر مالک شرکت فیات ایتالیا با حضرت امام رحمهم الله نقل می کند. وی می نویسد حضرت امام رحمهم الله پیشانی ایشان را بوسید، بعد از آنکه آن حادثه را برای آقای ادواردو پیش آوردند این یادداشت، سند و روایت خوبی برای دلایل و علل آن جنایت به دست ما می دهد.

موارد فوق، صورت های مختلف تاریخ نگاری نقلی بود. در کنار این شیوه، تاریخ نگاری تحلیلی نیز حایز اهمیت است. که به سه صورت و شیوه اساسی کار شده و عرضه گردیده است:

1. تحقیقی 2. اسنادی 3. فرهنگ نامه ای

1. تاریخ نگاری تحقیقی:

از سبک های تاریخ نگاری تحلیلی است و محقق به دنبال اثبات فرضیه یا یک مطلب خاص به وسیله جمع آوری و ارائه شواهد و مدارک است، لذا این نوع تاریخ نگاری همواره مبتنی بر فرضیه ای است و نویسنده به دنبال آن است که شواهد کافی و معتبر برای اثبات آن فرضیه ارائه کند. این نوع تاریخ نگاری بیشتر در مراکز علمی و دانشگاهی به عنوان یک کار پژوهشی رایج است و بر بقیه گونه ها و صورت های تاریخ نگاری نیز سایه افکنده است و گاهی آنقدر افراط می کنند که تنها همین صورت و شیوه تاریخ نگاری را به عنوان یک کار علمی می پذیرند که متأسفانه این رویه و نگاه، به تدریج در حوزه علمیه قم هم حاکم شده است. در صورتی که در بخش اسناد و خاطرات شاید اثر و بازدهی آن به مراتب بیشتر و با اهمیت تر باشد. در تاریخ نگاری تحقیقی مورخ اغلب دنبال اثبات و نفی حادثه و یا واقعه ای تاریخ می باشد و این رویه در چارچوب پژوهش های سنتی و رایج به راحتی جای می گیرد و از آنجا که افراد معمولاً از کار بدیع و نو واهمه دارند، شیوه تاریخ نگاری تحقیقی نسبت به سایر روش ها بیشتر مورد قبول واقع می گردد.

برای این شیوه کارهای مختلفی وجود دارد، همانند: «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق» اثر آقای عبدالهادی حائری، «تاریخ سیاسی معاصر ایران» و «تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران» اثر دکتر جلال الدین مدنی، «تاریخ روابط خارجی ایران» آقای هوشنگ مهدوی، «ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی» اثر دکتر ارواند آبراهامیان، «جریان ها و جنبش های مذهبی و سیاسی ایران» آقای رسول جعفریان، «تاریخ تحولات سیاسی ایران» آقای دکتر موسی نجفی و کتاب «سازمان افسران حزب توده ایران» اثر آقای محمدحسین خسروپناه از این شیوه برخوردار می باشند.

مواد و مصالح این نوع تاریخ نگاری، منابع تاریخی نقلی است که شیوه ها و صورت های آن بیان شد. هرچه این مواد مستحکم و قوی و درست باشد، ساختمانی که از آن بنا می گردد، مستحکم تر و متقن تر خواهد بود.

2. تاریخ نگاری اسنادی:

در تاریخ نگاری اسنادی به دنبال نگارش و ترسیم تاریخ بر اساس اسناد و مدارک هستیم که این اسناد و مدارک همراه با پاره ای توضیحات در خصوص واقعه مربوط، تدوین می گردد. عموما اسناد تاریخی لایه های پنهان حوادث را روشن می سازند، چنانچه اسناد بدست آمده از ساواک نشان می دهد که رغم ادعاها و سرو صدای تبلیغی رژیم که سعی می کرد امام را فردی ناشناخته و گمنام جلوه دهد، امّا در اسنادی که از گزارش های 28 خرداد 1342 ساواک بدست آمده، آورده شده است: آیة اللّه خمینی فرزند سیدمصطفی از مجتهدین برجسته و مهم قم است و استاد مسلم حکمت و فلسفه می باشد، در گذشته در زمان آقای حائری به شدت مورد احترام ایشان و آقای بروجردی بوده است، در زمان آقای حائری ایشان مدتی حکمت و فلسفه را تدریس می کرد بعد با مخالفت عده ای، آقای حائری تدریس فلسفه را از ایشان گرفت و به آقای شهیدی سپرد و به ایشان تکلیف کرد که بعد از این فقه تدریس کند. بعد ادامه می دهد که حاج آقا روح اللّه خمینی فرزند سید مصطفی است و سید مصطفی از علمای خمین بود؛ وی روحانی بسیار شجاعی بوده است و در مبارزه با خوانین منطقه که به مردم ظلم می کردند کشته شد. حاج آقا روح اللّه خمینی نیز مرد بسیار شجاع و توانایی است او به سیاست روز آشنایی بسیار زیادی دارد و این شخص در سال 1322 کتابی در مورد اعلیحضرت کبیر رضا شاه نوشته و در سخنرانی مدرسه فیضیه نیز چندین بار اعلیحضرت را با لحن تند خطاب کرد: بدبخت و بیچاره، عامل دست آمریکا و اسراییل.

این گزارش ساواک کاملاً با مقاله رشیدی مطلق که با هماهنگی شاه و دربار و ساواک تهیه شد و در روزنامه اطلاعات 17 دی 1356 به چاپ رسید و منجر به خیزش عمومی مردم شد. منافات و تغایر جدی دارد.

بنابراین در تاریخ نگاری اسنادی، سعی و تلاش بر آشکار کردن لایه های زیرین حوادث و وقایع تاریخی است. البته در اسناد باید دقت کافی به عمل آید، چون گاهی ممکن است اسناد جعل شده باشد یا در تنظیم اولیه، مقاصد و انگیزه های خاصی در کار بوده که واقعیت ها دچار تحریف شده باشد. نمونه جالبی از آن را در اسناد انقلاب داریم. در دوران شاه از سال 50 به مأموران انتظامی و امنیتی بابت کشتن مخالفان مبلغی به عنوان حق القتل پرداخت می کردند. مثلاً اگر مردی در درگیری کشته می شد پاداشی از سه تا هفت هزار تومان می پرداختند. یکی از دوستان تعریف می کرد: در همسایگی ما یک درجه داری زندگی می کرد که سه چهار نفر را کشته بود، ولی رییس کلانتری برای اینکه پاداش حق القتل را خود بگیرد قتل ها را به نام خود ثبت و گزارش می کرد و یک مبلغ مختصری هم به درجه دار می داد. بعد از پیروزی انقلاب پرونده قتل ها که باز شد، رییس کلانتری طبق اسناد به اتهام چند فقره قتل دستگیر می گردد. این یک سند قطعی است، امّا انگیزه پاداش سبب جعل چنین سندی می گردد. لذا در تاریخ نگاری اسنادی وقتی پای اشخاص به میان می آید باید تأمل و دقت بیشتری شود. چون در تاریخ نگاری گاهی اسناد مربوط به شخص یا گروه خاصی می باشد و گاهی پیرامون موضوع و مساله خاصی است همانند کتاب «بزم اهریمن» در مورد جشن های 2500 ساله و مبالغی که هزینه شده است و گاهی ترکیبی است از اشخاص و موضوعات مانند: اسناد لانه جاسوسی آمریکا که توسط دانشجویان پیرو خط امام منتشر گردیده است. علاوه بر آن اسناد به دو صورت گزینشی و یا تلفیقی مورد استفاده قرار می گیرد.

1 ـ 2 ـ تاریخ نگاری اسنادی گزینشی: اسنادی از میان اسناد موجود گزینش می گردد که البته بستگی به نگاه و هدف محقق و تاریخ نگار دارد که سعی می کند با کنار هم قرار دادن برخی اسناد به هدف و ادعای مورد نظرش برسد. چنانچه آقای دکتر جواد شیخ الاسلامی بر اساس بخشی از اسناد متعلق به وزارت امور خارجه انگلستان اصرار دارد انگلستان با کودتا 1299 مخالف بوده است. چرا که اسنادی وجود دارد که بیان کننده مخالفت لرد کوروزن با کودتاست. امّا این اسناد فقط می توانند اثبات کنند که وزارت خارجه انگلستان با کودتا مخالف بوده است، اما در این باره، اسناد دیگری وجود دارد که دستگاه وزارت مستعمرات و نخست وزیر، با کودتا موافق بودند و نظر اینها غالب شد و کودتا انجام گرفت، امّا چون دکتر شیخ الاسلامی مخالف نظر دخالت انگلستان در کودتای 1299 است، بخشی از اسناد را که مطابق نظرش می باشد گزینش کرده و بر آن اصرار می ورزد.

یا در مورد اسناد فراماسونری و سیدجمال الدین اسدآبادی که متأسفانه برخی مورخان به صورت گزینشی اسناد را انتخاب کردند و سیدجمال اسدآبادی را جزء اعضای فراماسونری قلمداد کردند و با نادیده گرفتن اسناد زیادی که علیه این دیدگاه هست هدف خاصی را دنبال نمودند. چنانچه آقای خسرو شاهی در کتاب «تاریخ فرهنگ معاصر» بیان می کند: اسناد وزارت خارجه در مورد آقای سیدجمال الدین اسدآبادی توسط آقای ابراهیم صفاتی به سرقت رفته است. اگر این اسناد در دسترس بود، ثابت می کرد که سیدجمال فراماسون نبوده است. در عوض آمدند، چند عکس از سیدجمال الدین اسدآبادی که در مجلس فراماسونری گرفته بودند مطرح و علم کردند، تا جایی این کار تأثیر گذار بود که حتی آقایان: دکتر موسی نجفی و موسی حقانی هم از کنار آن گذشتند و بحثی در خصوص سیدجمال الدین اسدآبادی در آثارشان به عمل نیاوردند. این امر یک نقیصه در تاریخ نگاری است که می خواهند به مبانی اندیشه و تحولات فکری عصر مشروطه بپردازند.

3. تاریخ نگاری فرهنگ نامه ای:

شیوه و صورت دیگر تاریخ نگاری مکتوب است. سریان دایرة المعارف در تاریخ نگاری، کار نو و جدیدی است که اتفاق افتاده است و در مورد تاریخ ایران و بخصوص تاریخ معاصر ایران نیز اقداماتی با حمایت غرب و آمریکا در این خصوص در حال انجام است. مجموعه دایرة المعارف ایرانیکا زیر نظر احسان یارشاطر است که با جنجال زیاد تبلیغ می شود. اهمیت این نوع تاریخ نگاری، به این است که هدف و غایت اصلی این شیوه تاریخ نگاری در اصل ایجاد مأخذ و منبع برای تاریخ نویسی است. از این رو است که عمده ترین جریان های مخالف انقلاب با پشتوانه آمریکا به شدت و وسعت زیاد به این نوع تاریخ نگاری روی آورده اند. در مجموع بانیان این نوع فرهنگ نامه ها دیدگاه های خود را تحمیل می کنند. هر چند برای متنوع جلوه دادن و آزادی اندیشه در چند مورد، آن هم غیر کلیدی، از چندین مقاله مخالف جریان مسلط هم، استفاده می کنند.

در داخل کشور، نمونه بارز شیوه تاریخ نگاری فرهنگ نامه ای «فرهنگ ناموران معاصر ایران» است که با همه کاستی هایی که دارد کاری خوب و پسندیده است.

تاریخ نگاری داستانی:

شیوه دیگری از تاریخ نگاری است که در انقلاب اسلامی رونق خوبی گرفته و به تاریخ نگاری انقلاب اسلامی افزوده شده است، هر چند در گذشته کم و بیش رایج بوده و نویسندگانی همانند محمود حکیمی به این کار می پرداختند؛ اما در انقلاب اسلامی این شیوه توسعه بیشتری یافته است. این شیوه تاریخ نگاری به دلیل جاذبه های داستانی تأثیرگذاری و نفوذش در مخاطبان، بخصوص نوجوانان و جوانان بیشتر از سایر شیوه هاست که لازم است به آن توجه خاص گردد و بر غنای آن افزوده شود.

آقای دکتر سیدعلی قادری درباره زندگی امام از این شیوه تاریخ نگاری سود جسته است .

در پایان می توان بیان داشت، در تاریخ نگاری معاصر ایران، شیوه ها و تنوع و صورت های مختلفی داریم که در هر یک از این شیوه ها، آثار متعددی نیز نشر یافته است، محققان و پژوهشگران آثار تاریخی، قبل از کنکاش و تحقیق در این آثار ابتدا باید به صورت های تاریخ نگاری وقوف یابند، تا در ارجاع و بهره گیری از آنها دچار خطا نشوند و بدون بازشناسی این شیوه ها و صورت بندی ها، شناخت و بهره گیری کامل و صحیح ممکن نخواهد بود.

شیوه ها و اشکال متعددی در تاریخ نگاری، چه در سبک نقلی و چه در سبک تحلیلی آن مطرح است که عمده ترین شیوه ها و صورت ها عبارتنداز:

تاریخ نگاری نقلی

1ـ گزارش نویسی تاریخی 2ـ روز شمار تاریخی که خود به روز شمار تلخیصی و تفصیلی تقسیم می شود. 3ـ خاطره نگاری، که به شکل خاطره نگاری شفاهی وکتبی مطرح است. و خاطره نگاری شفاهی به صورت ها وشیوه های خام، ویرایشی، تدوینی و تلفیقی تقسیم می گردد.

تاریخ نگاری تحلیلی

1ـ تحقیقی 2ـ اسنادی 3ـ فرهنگ نامه ای

در کنار اینها باید شیوه تاریخ نگاری داستانی را نیز اضافه نمود.

بعد از وقوف بر شیوه ها و اشکال تاریخ نگاری معاصر، گام بعدی آشنایی با مراکز و سبک های تاریخ نگاری معاصر است که به محققان کمک می کند تا مراکز و جریان های معتبر را از منابع و جریان های غیر معتبر بازشناسند و میزان اعتبار هر یک را بسنجند.